

اقتصاد آزمایشی از روش‌های تحقیق آزمایشگاهی برای مطالعه رفتار تصمیم‌گیری افراد در چهار چوبی اجتماعی که تحت کنترل قوانین آشکار یا پنهان است استفاده می‌کند. قوانین آشکار توسط آزمایشگر کنترل می‌شوند. قوانین پنهان و ضمنی، هنجارها، سنت‌ها و عاداتی است که مردم به عنوان بخشی از میراث تکاملی زیستی و فرهنگی خود به آزمایشگاه می‌آورند. این قوانین به صورت معمول توسط آزمایشگر کنترل نمی‌شوند. مقاله حاضر نقاط قوت و ضعف این روش را بر می‌رسد.

به صورتی کاملاً کلی، ما می‌توانیم نتایج آزمایشی را همچون پیامد گزینشی فردی ملاحظه کنیم که توسط شرایط اقتصادی برانگیخته می‌شود و از طریق زبان و قواعدی که توسط نهادها تأمین می‌شود و کنش‌های متقابل را هدایت می‌کند و مسامحت می‌شود. شرایط اقتصادی شامل ترجیحات، دانش، مهارت‌های کنشگر، و نیز محدودیت‌های منابع می‌شود. به صورت انتزاعی، نهادها کل نقشه را از گزینش پیام‌ها توسط کنشگر تا نتایج تعریف می‌کنند. افراد تحت عملکرد این قوانین یا هنجارها پیام‌های معین شرایط اقتصادی را گزینش می‌کنند. یک یافته تأیید شده در اقتصاد تجربی آن است که اهمیت نهادها به دلیل اهمیت قوانین است و نیز اهمیت قوانین به دلیل اهمیت مشوق‌ها است. اما مشوق‌هایی که مردم به آنها پاسخ دهند بعضی مواقع همان‌هایی نیستند که بر شانس نظریه بازی در اقتصاد انتظار می‌روند. این مسئله به آن می‌انجامد که اغلب مردم در کسب منافع برای خود یا دیگران بهتر از آنچه از طریق اشکال استاندارد تحلیل عقلانی پیش بینی می‌شود عمل می‌کنند. این تناقضات نشانه‌های مهمی از قوانین ناآشکاری را نشان می‌دهند که مردم از قوانین پنهانی را نشان دهد که ممکن است افراد از آنها پیروی کنند و در نتیجه می‌تواند فرضیه‌های نظری جدیدی را به منظور آزمون در آزمایشگاه برانگیزاند.

طراحی آزمایش‌ها از طریق دو مفهوم کاملاً متمایز از یک نظم عقلانی صورت می‌پذیرد. کنار گذاشتن یا اشکار هر یک از این مفاهیم را انبیاست به عنوان امری غیر عقلانی تفسیر کرد. در نتیجه اگر مردم در وضعیتی معین پیامدی را برگزینند که پاداش کمتری در پی دارد، ما به جای آنکه نتیجه‌گیری کنیم که عمل آنها غیر عقلانی است، بایست این سؤال را مطرح کنیم که چرا آنها چنین می‌کنند؟

مفهوم نخست از یک نظم عقلانی از مدل کنونی استاندارد اجتماعی-اقتصادی (SSM) مشتق می‌شود که به قرن هفدهم بازمی‌گردد. این مدل نمونه‌ای از آن چیزی است که هایدک عقل‌گرایی ساخت‌گرا (کانتراکتیویست) می‌نامد و اشکال مدرن آن از دکارت ریشه گرفته است که بر این باور بود که تمام نهادهای ارزشمند اجتماعی توسط فرآیند قیاس آگاهانه عقل بشر ایجاد شده و یا بایست ایجاد شود. حقیقت از پیش فرض‌هایی مشتق شده است که بدیهی و تردید ناپذیرند. در اقتصاد پوزیتیو، بحث می‌شود که اعتبار یک مدل از طریق پیشگویی‌های آن ماوری می‌شود و نه از طریق فرض‌های آن - متدولوژی‌ای که کمک محدودی را در مطالعات آزمایشی که در آن شرایط اقتصادی و قوانین نهادی کنترل می‌شود، فراهم می‌آورد. در اقتصاد مدل SSM به مدل‌های پیشگوییانه عقلانی در ارتباط با تصمیم‌گیری منجر می‌شود که فرضیات تحقیقی را مطرح می‌کند که از اواسط قرن بیستم آزمایشگرترن در آزمایشگاه‌ها به آزمون آنها پرداخته‌اند. نتایج این آزمون‌ها قلمرو آشفته و درهم هستند و این مسئله باعث توسعه کانتراکتیویستی نظریه بازی شده است. عقل‌گرایی دکارتی به کنشگرایی احتیاج دارد که اطلاعات کاملی را - بسیار بیشتر از آنچه می‌توان به ذهن سپرد - در تملک خود دارند.

نظریه‌های ما و فرآیندهای تفکر ما در برهه نظام‌های اجتماعی به آگاهی و کاربرد آگاهانه خرد بستگی دارد. با این حال ضروری است تا دائماً به خود یادآوری کنیم که فعالیت بشر تحت تسلط و نفوذ نظام‌های روانی-عصبی ناخودآگاه و غیرآزادی است که افراد را قادر می‌کند تا بدون ارجاع منطقی به ذهن خود به طور مؤثری در هر لحظه عمل کنند.

ما آموختن اغلب دانش‌های کاربردی خود را به یاد نمی‌آوریم. زبان طبیعی برجسته ترین مثال آن است. اما مثالی که به خصوص با اقتصاد آزمایشی در ارتباط است، مواردی است که اجتماعی شدن ما را شکل می‌دهند. ما قواعد زبان و یا مرادفات اجتماعی را بدون کسب تعلیمات واضح و روشن و تنها از طریق خانواده و شبکه اجتماعی پیرامون خود فرا می‌گیریم.

این ملاحظاتی به دومین مفهوم نظم عقلانی منجر می‌شوند. نظم اکولوژیکی طراحی تشددهای که بیرون از فرآیندهای تکاملی



# اقتصاد آزمایشگاهی؟

می‌گیرد و آن را به صورت فرمال مدل سازی می‌کند. ساخت گراها نمی‌پرستند که چرا و چگونه این نهادها پدیدار شده‌اند و یا چه شرایط اکولوژیکی آن را ایجاد کرده است.

با به کار بردن نظریه بازی برای تکمیل عقلانیت ساخت‌گرای، می‌توان موقعیتهای اجتماعی-اقتصادی را با یک درخت بازی تعاملی نشان داد.

این دو نوع از نظم عقلانی در روش‌شناسی آزمایشی که برای سیستم‌های اقتصادی طراحی می‌شود بیان شده است. این شاخه از اقتصاد آزمایشگاهی آزمایشگاه را به عنوان محلی برای آزمون کارایی نهاد جدید پیشنهادی به کار می‌برد و قوانین و ویژگی‌های اجرایی آن را در پرتو نتایج آزمون اصلاح می‌کند. این طرح‌های پیشنهادی ساخت‌گرا هستند هر چند در اغلب کاربردها، برای تحلیل کاملاً صوری بسیار پیچیده‌اند. اما زمانی که یک طرح در پرتوی نتایج آزمون اصلاح می‌شود، اصلاح جدید مورد آزمون قرار می‌گیرد و اصلاح و آزمون مجدد صورت می‌گیرد. اگر نتیجه نهایی در میدان عمل اجرا شود، به طور قطع دستخوش تغییرات تکاملی بیشتری در پرتوی عمل می‌شود.

فیروهایی که در آزمایش‌ها مورد آزمون قرار گرفته بودند به این دلیل که با نانشناخته بودند و یا برای ظرفیت‌های آزمایشگاهی رایج بودند در نهایت، فهم تصمیم‌گیری نیاز به دانشی فراموشی موزه‌های سنتی علم اقتصاد دارد. چالش‌های که هیوم و اسیت با آن بیگانه نبودند.

ترجمه و تلخیص: علی گیانمهر

بیولوژیکی و فرهنگی ظاهر می‌شوند. «قواعد اخلاقی» پیامدهای خرد ما نیستند. از دیدگاه هیوم که دلشغول محدودیت‌های خرد بوده، عقلانیت پدیدهای بود که خرد در نهادها و نوظهور کشف می‌کرد. امام اسیت ایده نظم در حال ظهور را در ثروت ملل و نیز نظریه احساسات اخلاقی بیان کرد. مطابق با این مفهوم از عقلانیت، حقیقت در شکل آگاهی‌ای پدیدار شده که در قواعد و سنت‌هایی متجسم است که به طور مرموزانه‌ای بیرون از تاریخ کهن تعاملات اجتماعی بشر شکل گرفته است.

در اقتصاد آزمایشی این سنت توسط کشف نظم نوظهور در مطالعات متعددی از نهادهای بازاری موجود همچون مزایده دولی نشان داده می‌شود. به بیان امام اسیت، مردم در این آزمایش‌ها در جهت ارتقاء رفاه سوق داده می‌شوند که بخشی از ثبات آگاهانه آن‌ها نیستند. این اصل توسط صدها آزمایش که در آنها شرایط و نهادها متجاوز از ظرفیت تحلیل نظری رسمی بازی بوده اند تعریف شده است.

تصدیق و شناسایی آثار فرآیندهای نادیده در جهت افزایش فهم ما از پدیدهای اجتماعی ضروری است و یا بایست بگوئیم تا آنها از تحقیق خود کنار نگذاریم. به این شیوه حداقل می‌توانیم در جهت خلاص شدن از شر زبان‌های بسیار مهمی در مطالعه رفتار انسان‌ها تلاش کنیم. چگونه این دو مفهوم از یک نظم عقلانی به یکدیگر مربوطند؟ ساخت‌گرای ساختارهای اجتماعی ایجاد شده توسط نهادهایی که ما در جهان مشاهده می‌کنیم را به صورت داده شده فرض

دورهنامه ۲۰۱۵  
۵۲